

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

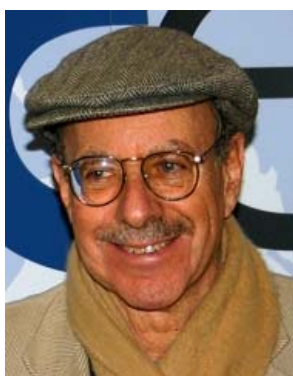
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جیمز پتراس
برگردان از: آمادور نویدی
۲۲ نومبر ۲۰۱۸



جیمز پتراس

تحریف پوپولیسم و ناسیونالیسم توسط امپریالیسم

امپریالیسم فرهنگی: انحراف زبانی و سردرگمی در ساخت امپراتوری

مقدمه:

در جهان معاصر، مبلغان امپریالیستی غربی، به ویژه روزنامه نگاران و سردبیرهای رسانه های جمعی، روزانه به تحریف مفاهیم و زبان سیاست متوسل شده اند.

استفاده و سوء استفاده از زبان سیاست در خدمت مقصر دانستن قربانیان و توجیه متجاوزان امپریالیستی قرار گرفته است. عواقب زیاد اند، در هردو، مشروعیت بخشیدن به جنایات جنگی و غارت و چپاول اقتصادی، همچنین خنثی نمودن اپوزیسیون داخلی.

ما ابتداء، با شناسائی مجموعه اصطلاحات کلیدی که تجاوزات امپریالیستی را بیش تر می کند شروع می کنیم. سپس، به شرح اهداف سیاسی و اقتصادی امپریالیسم زبانی می پردازیم. و بالاخره، با بررسی گزینه های سیاسی/فرهنگی، نتیجه گیری می کنیم.

نقد مفاهیم: ناسیونالیسم (ملی گرایی) و پوپولیسم (مردمی)

پوپولیسم، سوء استفاده ترین و مبهم ترین مفهوم در فرهنگ لغات مدرن امپریالیسم است.

پوپولیسم، در معنای اصلی خود به جنبش‌های توده‌ئی متشکل از کارگران استثمار شده گفته می‌شد. جنبش‌های مردمی که با بانکداران الیگارشی و اشخاص بانفوذ رسانه‌ئی مبارزه می‌کردند.

پوپولیست‌ها در طول قرن ۱۹ و اوایل دهه‌های قرن ۲۰، جنبش‌های سیاسی و احزاب انتخاباتی قدرت‌مندی را در امریکا، کانادا، روسیه و اروپای غربی تشکیل دادند.

در اواسط قرن ۲۰، احزاب و جنبش‌های پوپولیستی تکثیر یافتند و در برخی موارد در آسیا و امریکای لاتین به قدرت رسیدند. جنبش‌های پوپولیستی در ارجنتاین، برازیل، پرو و مکزیکو حمایت‌های توده‌ئی کسب کردند. در امریکا احزاب و جنبش‌های پوپولیست نماینده‌ی کشاورزانی بودند که علیه انحصارت راه آهن، بانکداران، و رؤسای سیاسی فاسد مبارزه می‌کردند. هدف آن‌ها تأمین قیمت‌های منصفانه بازار برای حمل و نقل، نرخ بهره از بانک‌ها و انتخابات بدون تقلب، خالی از فساد توسط رؤسای سیاسی بود. پوپولیست‌ها چندین دولت، عده بی‌شماری از شهرداران و چندین قانون‌گذار دولتی را انتخاب کردند.

در امریکای لاتین، احزاب پوپولیست در پرو (ای پی آر ای) برای حقوق بومیان مبارزه می‌کرد، مخالف حکومت نواستعماری و الیگارشی بود. در ارجنتاین، برازیل و مکزیکو احزاب پوپولیستی به رهبری خوان پیرون، گیچولیو وارگاس و لازارو کاردیناس حقوق کارگران را تأمین نمودند و برای مالکیت ملی منابع اساسی (به ویژه میدان‌های نفتی) مبارزه کردند. آن‌ها برنامه‌های ملی صنعتی سازی را راه اندازی نمودند.

پیشرفت‌های مشابهی در چین، فیلیپین، هندوچین و هند انجام گرفت. ملی‌گرایی و پوپولیسم موتورهای دوقلوی استقلال و عدالت اجتماعی بودند. ملی‌گرایی بر مبنای پایان دادن به سلطه امپریالیستی و دوباره به دست گرفتن ارزش‌های فرهنگی ملی، رها از تحمیلات استعماری بود. در قرن ۲۱ با صعود و پیشرفت رژیم‌های پسااستعماری، قدرت‌های امپریالیستی غربی به دنبال بدنام و بی اعتبار کردن جنبش‌ها و احزابی بودند که مشروعیت آن‌ها را زیر سؤال برده بودند.

قدرت‌های امپریالیستی دیگر نمی‌توانستند به ایدئولوژی امپراتوری‌های خیرخواه («مسئولیت مردان سفیدپوست») خود متکی باشند. همچنین دیگر نمی‌توانستند ادعا کنند که بهره برداری و استثمار و غارت سرمایه خارجی در خدمت «ساخت ملت-کشور» است.

ایدئولوژی امپریالیستی به تحریف و واژگون ساختن مفاهیم مثبت متوسل شد که وابسته به مبارزات آزادی‌خواهانه با مخالفان خود بود. در عوض، آن‌ها پوپولیسم را با دکترین استبدادی و سرکوبگر رژیم‌های عقب افتاده همدست پنداشتند. پوپولیسم از محتوای رهائی بخش اصلی خود خالی شد و جانشین و همدست ایدئولوژی ارتجاعی، فاشیستی، ضدمهاجران، بیگانه ستیزی، نژادپرستی شد.

تمام جنبش‌های توده‌ئی مردمی، مستقل از محتوای اجتماعی و اقتصادی خود با همان محتوای عقب افتاده به تصور کشیده شدند. به همین صورت ملی‌گرایی هم با نئوفاشیست پیوند خورد که اقلیت‌ها و مهاجران را به زور بیرون می‌کند. بنابراین، ایدئولوژی امپریالیستی معماران امپراتوری امریکائی و اروپائی را به عنوان حافظ ارزش‌های دمکراتیک معرفی کردند که علیه «ملی‌گراها» می‌جنگند.

استفاده و سوء استفاده از پوپولیسم و ناسیونالیسم

دشمنان اصلی «پوپولیسم» طبقات حاکم وفادار به نئولیبرال غربی و نویسندگان کینه توز آن‌ها در فایننشال تایمز، نیویورک تایمز؛ واشنگتن پست و وال استریت ژورنال هستند.

ضدپوپولیسیم در دفاع از «ارزش‌های دمکراتیک غربی» به عنوان مبلغ شبه‌مترقی به نفع امپریالیسم خدمت می‌کند، و شعار های ضدپوپولیسیت راست ها و چپ ها، شوونیست‌ها و مدافعان استقلال ملی را ادغام می‌کند.

هدف این‌ست که جنگ‌ها و کودتاهای متعدد امپریالیستی امریکا و اتحادیه اروپا در سراسر آسیا، خاورمیانه و شرق افریقا و امریکای لاتین توجیه شوند.

ضد پوپولیسیت و ضدناسیونالیست رسانه ئی «یافضیلت» در حالی‌که فتنه انگیزی می‌کند، و پوپولیسیت‌ها را محکوم می‌کند، اما به تبلیغ و دفاع از جنگ‌ها و کودتاهای خونین غربی در عراق، افغانستان، مصر، لیبیا، فلسطین، سوریه، لبنان، هندوراس، سومالی، سودان جنوبی، ونزوئلا و اوکراین می‌پردازد.

«ضدملی گرائی» در خدمت خلع سلاح منتقدان حامی استقلال از امپریالیسم و «مشروعیت دادن» به رهبران غربی عمل می‌کند. ایدئولوگ‌های رسانه ئی به راست‌گراها و «ملی‌گرا» هائی حمله می‌کنند که به مهاجران حمله می‌کنند، اما این واقعیت را که مهاجران قربانیان حمله های نظامی امپریالیست‌های غربی هستند، پنهان می‌سازند.

ملی گرایان داخلی راست‌گرا و امپریالیست‌های نئولیبرال منعکس کننده دو روی یک سکه اند. یکی احساسات ملی توده ها را تحریک می‌کند، دیگری برای ارضاء اشتهاى حریصانه خود به سوی سود حاصل از سرمایه داری روان است.

ضدپوپولیسیم و ناسیونالیسم، نیروی محرکه نخبگان نئولیبرالی بودند که نیروی کار داخلی را استثمار می‌کند و به رفاه اجتماعی و دمکراسی محل کار حمله می‌نماید. آن‌ها جنبش‌های اجتماعی مردمی را با نسخه هائی از «پوپولیسیم» به تصویر می‌کشند که باید به عنوان دشمنان بازارهای آزاد و انتخابات آزاد محکوم شوند.

ملی گرائی هائی که مخالف جنگ های امپریالیستی هستند، به عنوان دشمنان مستبد امنیت غربی، جهانی سازی و ارزش‌های دمکراتیک تحقیر می‌شوند.

نتیجه گیری

امپریالیست‌های امریکا و اتحادیه اروپا از درون و برون با دشمنان مواجه می‌شوند. اپوزیسیون داخل علیه جنگ‌های پرهزینه و فسادهای مالی برخاسته اند و طرفدار رفاه بیش‌تر هستند.

قدرت‌های غربی ناامید از در نیاز جهت یک دفاع ایدئولوژیک در نمان برای حمایت از الیگارشی‌های اقتصادی دشمنان جدیدی با برجسب «پوپولیسیت» جعل کرده اند. نخبگان غربی جهت تضعیف ضدامپریالیست‌ها، آن‌ها را به راست‌گراهای افراطی ملی گره می‌زنند.

ایدئولوگ‌های امپریالیسم غربی دارای ابزارهای تبلیغاتی دیگری هستند. ستیزه جویان مستقل ملی با «تروریست‌ها» برابر می‌شوند. روس های مدافع تأمین امنیت مرزها به عنوان توسعه طلبان مستبد توصیف می‌گردند و شبکه های اقتصادی بین المللی چین «باج‌گیرهای جمع آوری قروض استعماری» خطاب می‌شوند.

سروصدای طبل رسانه های جمعی جهت پنهان کردن واقعیت لازم است. امریکا و اتحادیه اروپا نزدیک ۲۰۰ پایگاه نظامی در سراسر جهان دارند (آیا استاد پتراس نمی‌داند که امپریالیسم امریکا به تنهائی بیش از ۶۰۰ و بنابه گفته ای نزدیک به هزار پایگاه نظامی در سراسر جهان دارد، و یا هر دو می‌بایست حدود ۲۰۰۰ پایگاه نظامی داشته باشند؟! - مترجم). چین یک پایگاه کوچک در شرق افریقا دارد. امریکا رشته ای از پایگاه‌های نظامی دارد که چین را محاصره کرده اند. بیجینگ فاقد یک پایگاه نظامی در خاج از کشورست که امریکا را محاصره کرده باشد.

درحالی‌که نخبگان استعماری و نئولیبرال غربی آسیا، افریقا و امریکای لاتین را غارت می‌کنند، ساختار مالی چین، در بنگاه های تولیدی سرمایه گذاری می‌کند و پایگاه‌های نظامی ندارد که در کشورهای جهان سوم مداخله نماید.

امریکا و اتحادیه اروپا مفاهیم مترقی مانند پوپولیست را تغییر می‌دهند و معانی واقعی آن‌ها را در جنبش‌ها، احزاب و شخصیت‌ها به ارتجاعی و عقب افتاده منحرف می‌کنند.

در حالی برچسب‌های نژادپرستانه حامی استعمار امپریالیستی بر «ملی گرایان» می‌چسبانند که بسیاری از آن‌ها مدافع استقلال ملی و مخالف سُلطه امپریالیستی هستند. زبان سیاسی در خدمت امپراتوری فضیلت نیست!

درباره نویسنده:

جیمز پتراس، استاد بارنل (بازنشسته) جامعه‌شناسی در دانشگاه بینگهامتون، نیویورک است.

برگرداننده شده از:

**Cultural Imperialism: Linguistic Perversion and Obfuscation of Empire Building, By:
James Petras**

<https://petras.lahaine.org/cultural-imperialism-linguistic-perversion-and-obfuscation/>

<https://petras.lahaine.org/b2-img/PetrasCulturalImperialism.pdf>